انتساب مخالفت با اجماع بر تواتر قرائات به تبیان و مجمع البیان، اولین بار در حدائق

صفحه هفتم بودیم.

> و أمّا ما وقع فی المقام الرابع «فالقائل بتواترها إلی أربابها دون الشارع یقول إنّ آل اللّه علیهم السلام أمروا بذلک فقالوا: اقرأوا کما یقرأ الناس» و قد کانوا یرون أصحابهم و سائر من یتردّد إلیهم یحتذون مثال هؤلاء السبعة و یسلکون سبیلهم و لو لا أنّ ذلک مقبول عندهم لأنکروا علیهم مع أنّ فیهم من وجوه القراءة کأبان بن تغلب و هو من وجوه أصحابهم صلّی اللّه علیهم،... [1] .

«و أمّا ما وقع فی المقام الرابع»؛ به گمانم کل مقام رابع نسبت به متیقنات فضای علم قرائات مستدرک است. ولی با فضاهایی که معروف نشده فعلاً مقام رابع داریم. جلسه قبل هم این مقام را خواندیم.

«فالقائل بتواترها إلی أربابها دون الشارع»؛ قرائات سبع به همین عاصم و نافع و ... متواتر است، نه به پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله. **«یقول إنّ آل اللّه علیهم السلام أمروا بذلک...».**

در همین ایام تعطیل مطالعه‌ای شد که برای خود من خیلی جالب و لذت‌بخش بود. آن را پیاده هم کردم. در فدکیه به این عنوان است: «تحریر بسیار عالی طبرسی در مقدمه مجمع از کلام شیخ در مقدمه تبیان». هفت بند دارد. چون برای خودم لذت‌بخش بود آن را پیاده کردم. مخصوصاً هفتمی آن. بعداً آن را نگاه کنید. بند هفتم آن از نظر کارهای کلاسیک و فنی خیلی اهمیت دارد. من خلاصه‌ای از آن را مرور می‌کنم.

در مقدمه عرض می‌کنم؛ مقام رابع این است: «فالقائل بتواترها إلی أربابها دون الشارع». در همین جزوه‌ای که هستیم در صفحه چهارم ملاحظه کردید که فرمودند: «و قال الشیخ فی التبیان...»، بعد فرمودند «و قال الطبرسی فی مجمع البیان...» و در ادامه مرحوم آسید جواد فرمودند: «و کلام هذین الامامین قد یعطی ان التواتر انما هو لارباب». یعنی شیخ در مقدمه تبیان و جناب طبرسی در

مقدمه مجمع خواستند بگویند که تواتر قرائات سبع فقط به همین ارباباشان –نافع و عاصم و ...- است، نه به شارع.

قبلاً عرض کردم در کل تاریخی که از فقه و اصول و تفسیر و ... نوشته شده، اولین کسی که این عبارت را به شیخ و صاحب مجمع نسبت دادند، صاحب حدائق است. در قرن دوازدهم؛ تا قرن دوازدهم من یک نفر را پیدا نکردم. البته راه تحقیق باز است و من هم خیلی خوشحال میشوم. اگر کسی پیدا کند دست و پای او را میبوسم؛ ولی من خیلی گشتم؛ اولین نفر صاحب حدائق است. بعد از اینکه کلام این دو بزرگوار را میآورند، میفرمایند:

> و كلام هذين الشيخين (عطر اللّه مرقديهما) صريح في رد ما ادعاه أصحابنا المتأخرون (رضوان اللّه عليهم) من تواتر السبع أو العشر[2]

«من تواتر السبع او العشر»؛ یعنی «الی رسول الله». صریح در در این است! این اولین کتاب است که این را میگوید. خُب مگر کلام تبیان و مجمع در دست علماء نبود؟! یک نفر قبل از ایشان نباید بگوید شیخ و صاحب مجمع این را قبول ندارند؟! احدی نگفته است. تلقی علماء تا زمان صاحب حدائق اینطور نیست. حتی سید نعمت الله جزائری که ایشان اینها را مطرح کردند و رد کردند، وقتی میخواهند قول مقابل را بگویند تنها به سید بن طاووس و نجم الائمه رضی نسبت میدهند. یعنی ایشان هم نگفته اند که صاحب مجمع این را قبول دارند. اولین شخص صاحب حدائق است.

اگر میخواهید شماره بگذارید، دومین نفر چه کسی است؟ معاصر صاحب مفتاح الکرامه مرحوم آسید محمد مجاهد در مفاتیح الاصول هستند. ایشان هم فرمودند: «أنها ليست بمتواترة مطلقا و لو كانت من جوهر اللفظ و هو للشيخ في التبيان»[3]. بعدنبال حدائق این را میفرمایند. چون در زمان ایشان حدائق در دستها آمده بود و معروف شده بود. یعنی دومین کتابی که تبعاً للحدائق به شیخ نسبت داده اند، مفاتیح است. سوم هم همین عبارتی است که از مفتاح الکرامه خواندم. البته ایشان محکم نفرموده اند. فرمودند: «كلام هذين الامامين قد يعطى». «قد يعطى» خیلی فرق میکند با «انکر» یا «صریح». پس در ذهنتان باشد که در نرمافزارها بگردید و ببینید قبل از صاحب حدائق کسی گفته شیخ طوسی و صاحب مجمع در مقدمه کتابشان که در دست همه بوده، میگویند تواتر قرائات سبع الی رسول الله نیست. چرا؟ چون حرف واحد است. این را هیچ کسی نگفته است.

---

[1] مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط-جماعة المدرسين) نویسنده : الحسيني العاملي، السيد جواد جلد : ۷ صفحه : ۲۲۰

[2] الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة نویسنده : البحراني، الشيخ يوسف جلد : ۸ صفحه : ۱۰۰

[3] مفاتيح الأصول ص ۳۲۲

بازبینی #2
ایجاد شده 11 ژوئن 2024 11:21:24 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 ژوئن 2024 13:27:13 توسط ... .